



# همیشه گره گشا بود



**آیت... سیدجعفر سیدان** تاریخ آشنایی با حضرت حاج آقای دهشت به طور دقیق در خاطر من نیست، اما بدون مبالغه باید گفت که بیش از ۴۵ سال است که با یکدیگر آشنا هستیم و دلیل آشنایی هم این است که هر دو در حوزه علمیه مشهد بودیم و به طبع این آشنایی در برخورد های مختلفی که طلاب و محصلان نسبت به دروس و اساتید و مسائل دیگر داشتند، حاصل شده است. حاج آقای دهشت در ذهنیت بنده از همان ابتدا تا کنون در جهت روش پسندیده حرکت می کرد. از نظر اجتماعی و علمی از معدود کسانی بود که به فضل پروردگار موفق بود و با گذشت زمان مدارج مختلف مفید بودنش را در جهات اجتماعی نشان داد. بنابراین، می توانم عرض کنم که از معدود محصلانی بود که توفیق خدمت در مسائل مختلف اجتماعی حوزوی و علمی برای ایشان فراهم شده بود.

طبیعی است هنگامی که عده ای در مسیر صحیح قرار می گیرند، این گونه نیست که همه آنان توفیقات بالایی داشته باشند. موانع مختلف تلاش افراد را متوقف می سازد یا منصرف می کند و تعداد افرادی که با استقامت مسیر صحیح را طی کنند و به نتیجه مطلوبی نائل آیند و سختی های راه آنان را از حرکت باز ندارد، کم است. ایشان از آن افراد معدود است، بنابراین توانست در ارتباط با مسائل اجتماعی و گرفتاری های مردم، از نظر نیازمندی های مادی و فرهنگی با همکاری در تأسیس و اداره خیریه ها، قدم های برجسته ای را برای تأمین نیازهای مادی افراد نیازمند بردارد. در کنار این موضوع، ایشان اهتمام داشت که تنها جهات مادی و مالی مطرح نباشد، بلکه ابعاد تربیتی و فرهنگی، دینی مذهبی و تربیت صحیح در اهداف خدمت باشد و در این مسیر موفق بود. آن هایی که با خیریه های مشهد آشنا باشند، می دانند

در حوزه های علمیه مشهد و مدارس علوم دینی، علاوه بر اینکه در اداره بسیاری از این ها عضویت داشت، به تدریس فقه، اصول، نهج البلاغه و اخلاق مشغول بود. تأثیر ایشان در حوزه های علمیه هم کاملاً مشهود است. آقای دهشت در فعالیت های حوزوی موفق به استفاده از مدرسان بنام از جمله مرحوم مدرس شد که استاد رسمی قوانین و شرح لمعه بود و از محضر مرحوم آیت... شیخ مجتبی قزوینی و مرحوم آیت... شیخ هاشم قزوینی که در تدریس سطح عالی حوزه فردی استثنایی و بی نظیر بودند، استفاده کرد. ایشان همچنین از محضر میرزا جواد آقا تهرانی که بیشتر در حوزه مسائل کلامی و فلسفی تبحر داشت استفاده کرد و باز در ارتباط

که ایشان در تأسیس و اداره آن ها نقش مهمی داشت و به جهت جنبه علمی و تقوایی که داشت، بسیار تأثیرگذار بود. همچنین به دلیل این خصوصیات در مسائل فرهنگی هم نقشی قوی داشت و در ارتباط با مدرسه های مختلف مربوط به آموزش و پرورش یا مدارس بین حوزه و بخشی از این مدارس را بر عهده داشت و به خوبی تأثیرگذار بود. حاج آقای دهشت علاوه بر پرورش محصلان ارزنده جوان در کنار جهات فرهنگی به ابعاد دینی هم کاملاً توجه داشت و نتایج علمی و دینی دانش آموزان این مدارس کاملاً مشهود است. ایشان به دلیل پشتکاری که داشت،



با مسائل خارج و پس از سطوح عالی به از مرحوم آیت... میلانی بهره برد. گرچه بنده در این زمینه برخورد چندانی با آقای دهشت نداشتم، حاج آقای دهشت کسی بود که هم در زمینه کارهای خیر مورد نیاز عموم مردم و هم از جهت مدیریت مدارس علمی و دینی برجسته بود و هم در ارتباط با طلاب و محصلان علوم دینی نقش مهمی را ایفا کرد.

با توجه به بهره گیری آقای دهشت از محضر بزرگوارانی که نام برده شد، مثنوی و روش ایشان در مسائل اعتقادی اعتنای هر چه بیشتر به مکتب اهل بیت (ع) بود. متوجه این مسئله بود که بسیاری از آرای بشری با آنچه در وحی آمده است، سازگار نیست. مکرر پیش آمده است که ایشان با بنده تماس گرفته و گفته است که در فلان کتابی که از یکی از افراد چاپ شده، مطلبی گفته شده است که با موازین حدیثی و قرآنی سازگار نیست و آیا شما در جریان هستید می توانید برخورد کنید و تذکر بدهید. یکی از این موارد را که به خوبی به یاد دارم، درباره مسئله جبر و اختیار و همچنین درباره اراده پروردگار بود که یکی از مشاهیر نوشته بود. در نتیجه می توان گفت که روش حاج آقای دهشت از نظر مثنوی علمی در مسائل اعتقادی با اعتنای جدی به مدارک و حیاتی که تعقل صحیح، ما را به آن می رساند، توافق دارد.

ما معتقد هستیم که در وحی یک مورد هم وجود ندارد که با قواعد عقلی در تضاد باشد و مواردی که چنین به نظر برسد، خود وحی آن را توجیه کرده است و ایشان در این زمینه هم کاملاً مسلط بود. ایشان در مسائل اجتماعی و انقلاب و در مسائل مربوط به جبهه های دفاع مقدس مدت ها فعالیت، همراهی و همکاری داشت. در مجموع ایشان از نظر مسائل علمی و اخلاقی، یک شخص جامع الاطراف بود و به پاکی و پاکیزگی زندگی کرد.

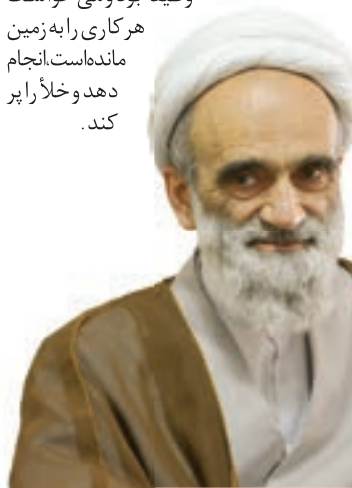
## گفتاری از آیت... حاج شیخ مهدی مروارید درباره استاد خود

# در مقام پدری مهربان

منبر می رفت. یک وقتی مرحوم حاج آقای ما از تدین مرحوم حاج شیخ مسلم تعریف می کرد که وقتی دو فرزندش شهید شدند، درباره غسل و خصوصیات دفن و این ها سؤال می کرد که نشان می دهد در دوران مصیبت دقت های شرعی داشته است. حاج آقا خیلی متعجب بود که ایشان با این وضع مصیبت زدگی چقدر به این امور اهتمام دارد.

یک مادری هم داشت که نقل می کرد خیلی به تربیت فرزندانش عنایت داشته و حتی به خانه های افراد می رفته برای تصحیح قرائت نماز فرزندانشان. مادرش به این امور اهمیت می داد و بچه ها و فرزندان و همسایه ها را وادار می کرده است به این امر.

بالاخره مرحوم حاج آقای دهشت حق استادی برگردن ما داشت و وجود این افراد در روحیه طلبه ها خیلی تأثیرگذار است. متأسفانه الان کم شده است که استاد اخلاقی وجود داشته باشد. آقای دهشت از آن افراد بود و فعالیت های اجتماعی ایشان هم نشان دهنده همان احساس و وظیفه بود و می خواست هر کاری را به زمین مانده است انجام دهد و خلأ را پر کند.



درس های اخلاق ایشان در مدارس علمیه مثل امام علی بن ابیطالب (ع) و امام باقر (ع) نیز معروف بود. چون خوش بیان بود. پای بعضی منبرهای ایشان هم که بودم، خسته نمی شدم. مرحوم حاج شیخ مسلم (اخوی ایشان) با مرحوم حاج آقای مآیت... حاج میرزا حسن علی مروارید، زیاد ارتباط داشت و حتی یک نماز جماعتی تشکیل می شد در حجره ایشان قبل از اینکه حاج آقای ما مسجد داشته باشد، در مدرسه خیرات خان حجره ای داشت که با مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی هم حجره بود و برخی درس های حاج آقا در همان حجره تشکیل می شد. مثل درس تفسیر ایشان. در آن موقعی که من نوجوان بودم، شب ها هم نماز جماعت خصوصی در آنجا برگزار می شد که حاج آقا امام جماعت بود و مرحوم میرزا جواد آقا مقید بود شرکت می کرد و همین آقای حاج شیخ مسلم حائری هم در این نماز شرکت می کرد. مرحوم آقای صدر زاده و عده ای از همین شاگردان خصوصی ایشان هم در نماز شرکت می کردند. حاج شیخ مسلم یک انسان متعبدی بود و به مکتب معارفی خراسان پایبند بود و در این زمینه کار کرده بود و تدریس هایی هم داشت. آدمی نقاد و اهل بحث بود. مدتی هم در منزل والد ما در روضه های ایشان

لمعه تمام شد. من بیع مکاسب را هم پیش آقای دهشت شروع کردم، اما طولی نکشید و ادامه پیدا نکرد. شاید آیت... وحید به مشهد آمده بود که من به درس ایشان رفتم. من وقتی پیش ایشان درس می خواندم، ایشان عمامه سفید نداشت. شال می بست و با پالتو بود. مرحوم دهشت فردی بود که احساس و وظیفه می کرد در جهت تدریس و تبلیغ و بعد با بحث اعزام مبلغ را در مسجد بناها راه انداخت. آدمی بود که انسان احساس می کرد به دنبال وظیفه است. ایشان به کاری که بر زمین مانده بود، در جهت تبلیغی و ارشادی، دغدغه داشت و به آن اهمیت می داد. آقای دهشت یک انسان فاضل و متدین و متعبد بود و مدرسه شهید مطهری مشهد هم زحمتش را قبول کرد، بدون هیچ چشمداشتی. فرزند خودم محمدرضا از فارغ التحصیلان مدرسه شهید مطهری بود که محلش قبلاً حسینیه مرحوم عابدزاده بود. درس های اخلاقی که ایشان آنجا گفت، خیلی تأثیرگذار بود برای بچه ها و گاهی می گفت این مکانی که ما هستیم، مکان متبرکی است و حسینیه است و باید درود یوار آنجا را بوسید. این گونه روحیه معنوی را در آن ها ایجاد می کرد. همراه با اخلاق و جهات تحصیلی حرف های ایشان خیلی تأثیرگذار بود. در ارتباط با آن جوان ها، افرادی که در آن دوره بودند، نوعاً جوان های متدین و متعبدی بار آمدند.

بنده آشنایی ام با مرحوم آقای دهشت برمی گردد به اوایل تحصیل. شاید مطول می خواندم که به مدرسه نواب رفت و آمد داشتیم و با یک آقایی مباحثه می کردم و دنبال استاد بودم که مثلاً بعد از اینکه ادبیات تمام شد، پیش چه کسی لمعه بخوانم. مرحوم آقای دهشت طلبه مدرسه بود و آنجا حجره داشت و با مرحوم شهید دکتر قاسم صادقی هم حجره بود. من هم ایشان را می دیدم و ایشان هم معروف بود به طلبه مستعد و فاضل که اشتغالات تدریسی هم به طور خصوصی داشت و من که اوصاف ایشان را شنیده بودم، مخصوصاً اخوی شان مرحوم آقای حائری را که با ابوی من بیشتر ارتباط داشت و با ایشان آشنا شدم. از ایشان خواهش کردم که برای ما تدریس کند. درس هایی که خدمتشان بودم، یک بخشی از شرح لمعه بود. احتمال می دهم بخشی از مطول را پیش آقای دهشت خوانده باشم. در همان اتاق که خیلی از وقت ها هم من تنهایی پای درس ایشان بودم، این درس را پیش ایشان خواندم. ایشان خوش بیان و مسلط و مشوق طلبه ها بود. مرحوم دهشت درس معارفی را هم که متن آن کتاب میزان المطالب امیرزا جواد آقا تهرانی بود، شروع کرده بود و همچنین جلد دوم آن را که مباحث فلسفی بیشتر در آن مطرح شده است. من در درس ایشان حاضر می شدم. وقتی